

## بنیاد ملی دموکراسی آمریکا پوششی برای فعالیت‌های سیا است

پایگاه اینترنتی ولترنت در گزارشی نوشت که بنیاد ملی دموکراسی آمریکا پوششی برای فعالیت‌های سیا است.



پایگاه اینترنتی ولترنت در گزارشی نوشت که بنیاد ملی دموکراسی آمریکا پوششی برای فعالیت‌های سیا است. به گزارش فارس، پایگاه اینترنتی ولترنت در گزارشی نوشت: کرملین در سال دو هزار و شش میلادی از فعالیت فزاینده انجمن‌های خارجی در روسیه مخالفت کرد و افزود برخی از این انجمن‌ها در طرحی مخفی برای بی‌ثباتی کشور مشارکت دارند که بنیاد ملی دموکراسی آمریکا سازماندهی این فعالیت‌ها را بر عهده دارد. ولادیسلاو سورکوف مشاور ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور وقت روسیه مجموعه قوانینی سختگیرانه درباره این سازمان‌های غیردولتی تهیه کرد که غرب انرا حمله جدید پوتین دیکتاتور به آزادی انجمن‌ها خواند. بر اساس این گزارش، این سیاست را کشورهای دیگری نیز پیگیری کردند که مطبوعات بین‌المللی آنها را نیز کشورهای دیکتاتوری نامیدند.

دولت آمریکا ادعا میکند که برای ترویج دموکراسی در سراسر جهان فعالیت می‌کند. دولت آمریکا می‌گوید کنگره میتواند به بنیاد ملی دموکراسی کمک کند و این سازمان نیز به نوبه خود و در کمال استقلال میتواند بطور مستقیم یا غیرمستقیم به انجمن‌ها احزاب سیاسی و یا اتحادیه‌های کارگری در سراسر جهان کمک کند. این سازمان‌های موسوم به غیردولتی می‌توانند به فعالیت‌های سیاسی در این کشورها بپردازند در حالی که سفارتخانه‌ها بدون نقض حاکمیت این کشورها نمیتوانند دست به این اقدامات بزنند. بنا بر این سوال اساسی اینجاست که بنیاد ملی دموکراسی و شبکه سازمان‌های غیردولتی که تحت حمایت مالی این بنیاد هستند آیا واقعا طرح‌های ابتکاری جامعه مدنی هستند که کرملین بصورتی نا عادلانه به سرکوب آن می‌پردازد یا پوششی برای فعالیت‌های سرویس‌های مخفی آمریکایی که ازادانه در کشورهای دیگر مداخله میکنند. برای پاسخ دادن به این پرسش باید به ریشه‌ها و عملکرد بنیاد ملی دموکراسی آمریکا پرداخت اما پیش از هر چیز باید طرح رسمی آمریکا برای صدور دموکراسی را تعریف کرد.

آمریکایی‌ها به دیدگاه‌های پدران بنیانگذار خود علاقه دارند و بر اساس آن خود را مجموعه‌ای می‌دانند که از اروپا به آمریکا آمدند تا شهری بر فراز یک تپه بنا کنند تا دنیا را روشن کند. چنین برداشتی در سخنرانی‌های سیاسی اکثر روسای جمهور آمریکا تکرار میشود. آنها عقیده دارند تمام ملت‌های دنیا باید برای رستگاری خود از این الگو پیروی کنند. آمریکایی‌ها عقیده دارند کشورشان یک دموکراسی نمونه است و آنها وظیفه‌ای مسیحایی دارند تا آن را در سراسر جهان ترویج دهند. آنها اساس این فعالیت خود را بر تغییر رژیم‌ها در کشورهای جهان قرار دارند. با چنین برداشتی آمریکا سیاست خارجی دولت خود را فعالیتی امپریالیستی قلمداد نمی‌کند و عقیده دارد براندازی هر دولتی که با این الگو سازگار نیست کاملا مشروع است. بنابراین آمریکایی‌ها مطمئن هستند که بر اساس این ماموریت آنها می‌توانند با اعمال زور دموکراسی را در کشورهایی که به اشغال خود درآورده‌اند برقرار کنند. به عنوان مثال آنها در کتاب‌های درسی خود می‌نویسند که سربازان آمریکایی دموکراسی را به آلمان آوردند.

آنها نمی‌دانند که تاریخ کاملا عکس این را می‌گوید زیرا دولت آنها به هیتلر کمک کرد تا جمهوری وایمار را براندازد و حکومتی نظامی برای مقابله با شوروی‌ها مستقر کند. این ایدئولوژی نابخردانه مانع می‌شود که آنها به معنای پوچ مفهوم استقرار دموکراسی با استفاده از نیروی نظامی پی ببرند. این در حالی است که در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال دو هزار میلادی که به انتخاب جرج بوش منتهی شد هیچ نشانی از روند دموکراتیک در انتخاب رئیس‌جمهور مشاهده نشد. بنابراین وقتی در خود آمریکا دموکراسی وجود ندارد معلوم نیست آمریکایی‌ها چگونه می‌خواهند آن را صادر کنند. این تناقض طی سی سال گذشته در فعالیت‌های بنیاد ملی دموکراسی آمریکا و بی‌ثبات کردن بسیاری از کشورها مشهود بوده است.

جرج بوش طی سخنرانی خود در بیستم ژانویه سال 2004 به صراحت اعلام کرد که قصد دارد بودجه بنیاد ملی دموکراسی را تا دو برابر افزایش دهد و تاکید کرد که وظیفه جدیدش بر ارتقا و افزایش انتخابات آزاد جریان آزاد اطلاعات آزادی مطبوعات و آزادی اتحادیه‌های کارگری در خاورمیانه متمرکز خواهد بود.

بوش با چنین سخنانی میخواهد بگوید آمریکا باید عملیات نظامی خود را در منطقه کامل کند و همزمان نیز مداخله خود در امور داخلی کشورهای هدف را افزایش دهد.

اوایل دهه 80 میلادی رونالد ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا اتحاد جماهیر شوروی را امپراطوری شیطان خواند و روش‌های جدیدی برای مبارزه علیه این امپراطوری تشریح کرد. در واقع در این زمان بود که تلاش‌هایی جدی برای بی‌ثبات‌سازی از طریق بسیج جامعه مدنی نیز به اقدامات بازدارنده نظامی و دیپلماتیک علیه رژیم‌های هدف اضافه شد.

در عین حال پس از آنکه فعالیت‌های سری سازمان سیا توسط یک سلسله کمیسیون‌های تحقیق فاش شد و افکار عمومی نیز این فعالیت‌ها را محکوم کردند شورای امنیت ملی آمریکا تصمیم گرفت تا فعالیت‌های خود را با تحت نام‌های دیگر و با روش‌هایی ادامه دهد که ظاهر اراسته‌تری داشته باشند.

بنیاد ملی دموکراسی آمریکا بطور رسمی در نوامبر 1983 آغاز به کار کرد و بودجه این سازمان توسط کنگره و به عنوان بخشی از بودجه

مصوب وزارت خارجه براي اژانس توسعه بين‌المللي امريكا تامين شد.

در همين حال بنياد ملي دموكراسي امريكا براي آنكه خود را يك سازمان خصوصي جلوه دهد بطور همزمان از سه بنياد مختلف نيز كمك دريافت مي‌كند.

بنياد اسميت ريجاردسون بنياد جان امولين و بنياد ليند و هري برادلي بنياد ملي دموكراسي امريكا خود چهار سازمان مستقل ديگر را تحت حمايت مالي خود قرار مي‌دهد تا اين سازمانها بتوانند به توزيع پول در بين انجمنها و سازمانها و اتحاديهاي كارگري مختلف در كشورهاي سراسر جهان بپردازند.

اين بنياد ارتباط تنگاتنگي با سيا دارد و اغلب افراد مشهوري كه در فعاليتهاي مخفي سيا مشاركت داشته‌اند عضو شوراي اجرائي و با هيئت مديره بنياد ملي دموكراسي امريكا نيز بوده‌اند از جمله اين افراد مي‌توان به اوتو رايش جان نگرپونته، هنري سينسروس و اليوت ابرامز اشاره كرد.

فعاليتهاي روزمره بنياد ملي دموكراسي توسط وين وبر نماينده جمهوريخواه سابق ايالت مينسوتا و مسئول حمايتهاي مالي ستاد تبليغاتي جورج بوش در سال دو هزار ميلادي اداره ميشود. در همين حال مدير اجرائي اين سازمان نيز كارل گشمن مسئول سابق سوسيال دموكراتهاي امريكا و يك تروتسكيست عضو نظام نو محافظه‌كاران است.

به بيان ساده‌تر بنياد ملي دموكراسي امريكا استمرار فعاليتهاي سري سيا است. در حقيقت به همين دليل است كه انگليس و استراليا نيز در توافقنامه‌هاي كه روابط بين سرويسهاي سري نظامي آنها را تعيين مي‌كند خود را در فعاليتهاي بنياد ملي دموكراسي شريك كرده‌اند.

اعتبارات بنياد ملي دموكراسي توسط يك شوراي اجرائي متشكل از نمايندگان حزب جمهوريخواه و دموكرات اتاق بازرگاني امريكا و اتحاديه بازرگاني مديريت مي‌شود كه هر پيشنهادي نيز ميبايست براي اجرائي شدن دست‌كم نظر دو سوم اعضاي شوراي اجرائي را كسب كند. پس از آنكه وجه پيشنهادي براي تخصيص اعتبار تعيين شد اين مبلغ به بنيادهاي ارسال مي‌شود كه توسط هر يك از اعضا اداره مي‌شوند. بنياد ملي دموكراسي تعيين مي‌كند كه کدام كشورها ميبايست به عنوان هدف عملياتي اين سازمان انتخاب شوند. سپس اين هيئت با حمايت مالي و با استفاده از شرکاي اجتماعي خود در جهت براندازي دولتهاي هدف تلاش خواهد كرد و پس از آن نيز افراي كه به منافع امريكا وابسته باشند به قدرت خواهند رسيد.

اين بنياد براي مبارزه با كمونيسم بوجود آمد و دقيقا پس از فروپاشي اتحاديه شوروي بود كه بنياد ملي دموكراسي وضعيت بهتري پيدا كرد. اما بنياد ملي دموكراسي با تظاهر به تلاش براي ارتقاي دموكراسي در حقيقت كشورهاي هدف را تحت كنترل و اطاعت خود در مياورد و منافع اين كشورها را نيز به منافع طبقه حاكم امريكا تغيير مي‌دهد.

بنياد ملي دموكراسي مسئول بحرانهاي دموكراسي در سراسر جهان است زيرا دائما مكانيزمهاي بنيادي دموكراسي را با استقرار يك دولت خوب و شايسته مورد نظر خود تحريف مي‌كند.

استفاده بنياد ملي دموكراسي از بنيادهاي مختلفي با نظامهاي سياسي متفاوت موجب مي‌شود تا منبع مالي اصلي و چگونگي توزيع اين كمكهاي مالي از ديد افكار عمومي مخفي باشد.

در همين حال كشورهاي زيادي بدون برانگيختن هيچ توجهي از اين كمكهاي مالي بهره‌مند مي‌شوند حتي اگر افراي كه در تخصيص اين كمكهاي مالي نقش داشتند به خوبي از هويت كانالهاي مرتبط آگاه باشند.

چهار سازمان بنياد پيرو بنياد ملي دموكراسي عبارتند از مركز امريكايي اتحاد بين‌المللي كارگران يا اين مركز توسط جان جي سويني اداره مي‌شود كه همزمان دبيركل اتحاديه بازرگاني نيز هست. مركز بين‌المللي اقتصاد آزاد يا به رياست توماس جي دونهو كه رياست اتاق بازرگاني امريكا را نيز به عهده دارد. بنياد بين‌المللي جمهوريخواهان يا كه سناتور جان مك‌كين در راس آن قرار دارد. كسي كه طي انتخابات اخير در برابر اوباما شكست خورد. او حامي اصلي كنگره جنگ جهاني عليه تروريسم است.

بنياد ملي دموكراتيك در امور بين‌الملل يا كه مادلين البرايت وزير خارجه اسبق امريكا رياست آن را بر عهده دارد. كارکرد بنيادهاي حامي بنياد ملي دموكراسي نيز به اين ترتيب است كه از آنچه امريكا در المان و در قالب يك ارتش اشغالگر انجام داد الهام گرفته شده است و اين بنياد با الهامگيري از اين شيوه عمل وابستگاني را در چندين كشور متحد اعضاي ناتو پيدا كرد كه در ميان آنها ميتوان به بنياد وستمينستر براي دموكراسي در انگليس مركز بين‌المللي حقوق بشر و توسعه دموكراتيك در كانادا بنياد ژان ژورس و بنياد رابرت شومن در فرانسه مركز بين‌المللي آزادي در سوئد و بنياد الفرد موزر در هلند اشاره كرد.

اين بنياد در بيستمين سالگرد تاسيس خود ارزشيابي و بررسي را بر روي فعاليتهايش انجام داد كه در نتيجه آن مشخص شد كه اين سازمان بيش از 6000 انجمن و سازمان سياسي در سراسر جهان را تحت هدايت و حمايت مالي خود دارد و اتحاديه بازرگاني سوليدارنوسك در لهستان چارتر 77 در چكاسلواكي و اوتپور در صربستان را خود به تنهائي ايجاد کرده است و در ايجاد راديو بي 29 و روزنامه اسلوبدنج در يوگوسلاوي سابق نيز نقش داشته است.

در راستاي بهره‌گيري بنياد ملي دموكراسي از رسانهها اين سازمان نشریه ژورنال او دموكراسي را نيز منتشر مي‌كند كه در سراسر جهان توزيع مي‌شود. همچنين مجله انكوپنترو به معني ديدار نيز همانند مجموعه‌اي از كتابها بطور خاص براي كوبا منتشر ميشود. در همين حال بنياد ملي دموكراسي كنفرانسهائي را نيز با حمايت مالي حاميان روشنفكري براي مثال فرانسوا فوره مورخ فرانسوي و ژان دانيل ريبس برخي مطبوعات فرانسوي برگزار مي‌كند.

بنياد ملي دموكراسي همچنين در سراسر جهان و در تمامي موارد كه مربوط به تمرين دموكراسي مي‌شود اقدام به شكل دادن اتحاديه بازرگاني و شخصيتهاي برجسته سياسي مي‌كند.

بطور رسمي بودجه بنياد ملي دموكراسي تنها به 50 ميليون دلار افزايش يافته است اما اين در حالي است كه تامين‌كنندگان مالي و

اعانه‌دهندگان خارجي اين هيئت سالانه چند صد ميليون دلار به اين سازمان كمك مي‌كنند. مهمترين اين تامينكنندگان مالي عبارتند از وزارت خارجه امريكا و وزارت خزانهداري امريكا و سازمان سيا كه بطور محتاطانه كمكهاي خود را به بنياد ملي دموكراسي ارايه مي‌كند».